گفتمان سیاست جنایی قانونگذار و رویه قضایی ایران در قبال جرم تحصیل مال از طریق نامشروع؛ با رویکرد تطبیقی بر گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد در ماده ۲۰ کنوانسیون مبارزه با فساد

سامان آقالار ثالث [۱*]، محمد جعفر حبیب‌زاده [۲]، محمد فرجیها [۳]، محمود صابر [۴]

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲. استاد گروه حقوق جزا، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۳. دانشیار گروه جزا، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۴. استادیار گروه حقوق جزا، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۹۵/۰۴/۱۴ پذیرش: ۹۵/۰۵/۱۷

چکیده

رویه قضایی در اعمال ماده ۲ قانون مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، برخلاف گفتمان سیاست جنایی قانونگذار، موضوع جرم و نتیجه مجرمانه را به تحصیل منافع مالی توسعه می‌دهد. همچنین رفتار مجرمانه را به تحصیل مال از هر طریقی که قانونگذار شیوه تملیک مال را قانونی اعلام نکرده باشد، گسترش می‌دهد و در نتیجه آن، رفتار مجرمانه با ترک فعل و داشتن و نگهداری نیز قابل تحقق است. بدین‌سان این ماده با قاعده دارا شدن ناعادلانه انطباق پیدا می‌کند. بنابراین، رویه قضایی در اعمال ماده ۲ برخلاف گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در ماده ۲ در مورد موضوع جرم، رفتار مجرمانه، نتیجه مجرمانه، رابطه سببیت، با ماده ۲۰ کنوانسیون مبارزه با فساد

* نویسنده مسؤول مقاله: Email:sales.saman@gmail.com

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

شباهت‌هایی پیدا می‌کند. اشاره به ماده ۲ در قانون تشدید و ماده ۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و ماده ۲۰ در کنوانسیون مبارزه با فساد، بیانگر افتراقی سازی سیا ست جنایی تو سط قانونگذار ایران و سازمان ملل متحد حسب مورد در قبال این جرائم در چارچوب سه معیار ۱) گونه‌شناسی جرائم، ۲) گونه‌شناسی بزهکاران، ۳) گونه‌شناسی وضعیت پیش‌جنایی است. در بررسی تطبیقی گفتمان سیاست جنایی قانونگذار ایران در ماده ۲ با گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد در ماده ۲۰، در مورد افتراقی‌سازی سیاست جنایی براساس سه معیار پیشگفته، ملاحظه می‌شود بین آن‌ها مشابهت‌هایی وجود دارد؛ لکن رویه قضایی با توسعه این ماده به انحرافات مالی در برخی موارد برخلاف افتراقی‌سازی مورد نظر قانونگذار اقدام می‌کند.

واژگان کلیدی: موضوع جرم، رفتار و نتیجه مجرمانه، گفتمان سیاست جنایی قانونگذار، رویه قضایی، افتراقی‌سازی سیاست جنایی، فساد.

۱. مقدمه

قانونگذار در ماده ۲ قانون مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، [۱] بدون تعریف جرم تحصیل مال از طریق نامشروع، در صدر ماده مصداق‌هایی از رفتار مجرمانه این جرم را بیان می‌کند و در پایان عبارت «... به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است...» را آورده است. کلیت این عبارت، منجر به برداشت‌های متفاوتی در دادگاه‌ها، بین حقوقدانان، نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه، و نظر قضات در نشست‌های قضایی شده است. این برداشت‌های متفاوت به دو برداشت کلی موسع و مضیق دسته‌بندی می شوند. طبق برداشت موسع، تحصیل مال از هر طریقی که قانونگذار شیوه تحصیل مال را قانونی اعلام نکرده باشد، مصداق ماده ۲ محسوب می‌شود؛ لکن طبق برداشت مضیق، در صورتی که تحصیل مال از طریق غیرقانونی مذکور در قالب مصادیق صدر ماده ۲ باشد، مشمول این ماده می‌شود.

۱. از این به بعد ماده ۲ نامیده می‌شود.

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

دیدگاه رایج در رویه قضـایی در اعمال ماده ۲، برداشـت موسـع از این ماده اسـت [۱، ۴۸].

کنوانسیون مریدا نخستین سند بین‌المللی است که، مبارزه با فساد را مورد توجه قرار داده اسـت. موضـوع فسـاد، علاوه بر معضـل داخلی، یک چالش بین‌المللی را نیز تشـکیل داده اسـت. در فصـل سـوم کنوانسـیون، طیف گسـترده‌ای از اعمال و رفتارها به‌عنوان مصـداقی از فسـاد، جرم‌انگاری شـده اسـت. کنوانسـیون از دولت‌های عضـو می‌خواهد تا برخی جرائم خاص که نه فقط مشـتمل بر جرائم دارای سـابقه طولانی هسـتند_ مثل انواع ارتشـاء و اختلاس _ بلکه رفتارهایی را که ممکن اسـت تاکنون در برخی کشـورهای عضـو جرم‌انگاری نشـده‌اند نیز جرم‌انگاری کنند. از جمله این جرائم می‌توان به دلالی نفوذ و سایر موارد سوءاستفاده از اختیارات اشاره کرد.

دامنه وسیع روش‌هایی که فساد، خود را در قالب آن‌ها در کشورهای مختلف نشان می‌دهد و نوظهوری برخی از این جرائم، چالش‌های تقنینی مهمی را سـبب می‌شـود. واقعیتی که در تصمیم‌گیری کمیته موقت برای اختیاری کردن برای کشورهای عضو یا واگذار کردن آن‌ها به شـرایط قانون اسـاسـی داخلی یا سـایر شـرایط (مطابق قانون اساسی و اصول بنیادین نظام حقوقی خود) منعکس شده است [۲، ص ۴۱].

نمونه‌ای از این جرائم، جرم دارا شـدن غیرقانونی، موضـوع ماده ۲۰ کنوانسـیون مبارزه با فساد[۱] است.[۲] این ماده برآیند تحولاتی همچون پیچیده شدن جریان بزهکاری و مشکل بودن اثبات آن است [۳، ص ۸۶] و ابزار مبارزه با فساد کارامدی، در اختیار کشورهایی که این رفتار را جرم‌انگاری کرده‌اند، قرار داده است.

لازم به ذکر اسـت برخلاف سـایر جرائم فسـاد، در این جرم‌انگاری عمل ارتکابی نوعی عمل فاسد تلقی نمی شود، بلکه هدف از جرم‌انگاری دارا شدن من غیر حق، فائق

---

۱. از این به بعد ماده ۲۰ نامیده می‌شود.

۲. ماده ۲۰ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد اشعار می‌دارد: دارا شدن من‌غیر؛ حق هر کشور عضو، با توجه به قانون اساسی و اصول اساسی نظام حقوقی خود، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات لازم را مدنظر قرار می‌دهد تا دارا شدن من غیرحق یعنی افزایش چشمگیر داراییهای یک مقام دولتی را که به صورت معقول نمی‌تواند درارتباط با درآمد قانونی خود توضیح دهد، موقعی که به صورت عمدی ارتکاب یابد، جرم کیفری تلقی شود.

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

شـدن بر دشـواری‌هایی اسـت که مقام‌های تعقیب در مواجهه با آن دسـته از مقام‌های دولتی، روبه‌رو می‌شـــوند که دارایی‌های آن‌ها با درآمد قانونی آن‌ها تناســـب ندارد. کنوانسیون برای رفع این دشواری‌ها، جرم‌انگاری این رفتار را به‌عنوان عاملی بازدارنده برای فساد در میان مقام‌های دولتی مفید شناخته است.

شاید همین تفاوت و به تبع آن معکوس کردن بار اثبات و عدول از اصل برائت بوده که کنوانسیون راه احتیاط را در پیش گرفته و این مقررات را اولاً مشروط به مطابقت با قوانین اســاســی و اصــول بنیادین نظام حقوقی کشــورها کرده و ثانیاً جرم‌انگاری این رفتار را اختیاری دانسته است [۴، ص ۷۸].

گفتمان ســیاســت جنایی قانونگذار، طرز برداشــت و تلقی مقام قانونگذاری از سیا ست جنایی در قالب تـصویب قوانین مختلف ا ست. به بیان دیگر، زمانی که متون قانونی درخصوص یک پدیده مجرمانه توسط قانونگذار هر کشوری تصویب می‌گردد، در واقع بیانگر گفتمان سیا ست جنایی قانونگذار خاص آن کـشور درخـصوص پدیده مجرمانه مورد نظر ا ست [۵، ص ۳۴]. رویه قـضایی در اعمال ماده ۲ در مفهوم مـضیق آن به معنای نحوه ا ستنباط و بردا شت مراجع قـضایی از قوانین و مقررات و چگونگی اعمال آن‌ها در تـصمیمات قضایی ا ست [۶، ص ۲۶۰]. البته این ا ستنباط‌ها و برداشت‌ها در تمامی زمینه‌ها و مسائل در محاکم، یکسان و برابر نیست؛ بدین معنا که ممکن است هریک از دادسراها و دادگاه‌ها برداشت خاص خود را نسبت به موضوع واحد ارائه کند. در ماده ۲۰ کنوانسیون مبارزه با فساد مریدا[1] به جرم دارا شدن غیرقانونی اشاره شده اســـت. برخی حقوقدان‌ها وجود شـــباهت بین ماده ۲ و ماده ۲۰ را مورد تردید قرار داده‌اند [۷، ص ۱۱۷]. به نظر می‌ر سد گفتمان سیا ست جنایی قانونگذار و رویه قـضایی در اعمال ماده ۲ شباهت‌هایی با ماده ۲۰ دارد؛ لکن باید توجه دا شت ماده ۲ مربوط به ســـال ۱۳۶۷ اســـت و کنوانســـیون مورد بحث مربوط به ســـال ۲۰۰۳ میلادی اســـت. بدین‌ســـان در تصـویب ماده ۲ از ماده ۲۰ الهام گرفته نشـده اسـت و با توجه به این‌که

۱. از این به بعد ماده ۲۰ نامیده می‌شود.

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

قانونگذار ماده ۲۰، سازمان ملل متحد است، ماده ۲ تأثیری در تصویب ماده ۲۰ نداشته است.

از این رو، این مقاله بنا دارد گفتمان سیاست جنایی قانونگذار ایران و رویه قضایی در اعمال ماده ۲را با ماده ۲۰ به صورت تطبیقی تحلیل کند. برای تحلیل تطبیقی آن‌ها نیز ضرورت دارد از یک طرف، ارکان تشکیل‌دهنده این جرائم که به نظر می‌رسد مشابهت‌هایی با یکدیگر دارند، به صورت تطبیقی بررسی شود و از طرف دیگر، از آن‌جا که این جرائم از جمله جرائم مشمول فساد محسوب می‌شوند و سیاست افتراقی در قبال فساد وجود دارد، میزان افتراقی‌سازی سیاست جنایی در اعمال این مواد به صورت تطبیقی تحلیل شود. بدین‌سان این مقاله در دو بخش ساماندهی شده است. در بخش اول ارکان تشکیل‌دهنده جرائم مذکور بررسی می‌شود. در بخش دوم افتراقی‌سازی سیاست جنایی گفتمان قانونگذار و رویه قضایی در اعمال ماده ۲ از منظر معیار بزه، بزهکار و بزه‌دیده به صورت تطبیقی با ماده ۲۰ تجزیه و تحلیل می‌شود.

۲. ارکان تشکیل‌دهنده جرم

این قسمت از نوشتار به بررسی تطبیقی رکن مادی و معنوی ماده ۲ از منظر گفتمان سیاست جنایی قانونگذار و رویه قضایی و گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد در ماده ۲۰ می‌پردازد.

۲-۱. رکن مادی

در مورد اجزای رکن مادی دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد. در این نوشتار، اجزای رکن مادی را رفتار، موضوع، نتیجه، وسیله، زمان، مکان، شخصیت مرتکب، وضعیت زیان‌دیده و رابطه سببیت تشکیل می‌دهد. برخی جرائم ممکن است تمام اجزای پیشگفته را برای تحقق جرم لازم داشته باشند و در برخی دیگر وجود تعدادی از این اجزا برای

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

تحقق رکن مادی کافی باشد. در ماده ۲ به غیر از زمان، مکان و وسیله، سایر اجزا در تحقق جرم تأثیر دارند.

۲-۱-۱. موضوع جرم

موضوع جرم ماده ۲ فقط مال است. از جمله تقسیم‌بندی‌های مال، تقسیم آن به عین و منفعت است. منفعت، به منفعت قابل انفکاک و منفصل از اصل و منفعت تدریجی‌الحصول (آتی) تقسیم می‌شود. هر سه مورد پیشگفته از نظر حقوق خصوصی در صورت احراز سایر شرایط، مال محسوب می‌شوند. لکن منافع آتی مال (تدریجی‌الحصول) جز در موارد تصریح قانونگذار _ برای مثال در قانون ارتقای نظام سلامت اداری و مبارزه با فساد[۱]_ مشمول تعریف مال از نظر حقوق کیفری قرار نمی‌گیرند و موضوع جرم جرائم علیه اموال واقع نمی‌شوند. بنابراین از منظر گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در ماده ۲ موضوع جرم ماده قابل تسری به منافع مالی نیست. برخی این نظر را پذیرفته‌اند[۸، ص ۹۲ همچنین ۲۱۲].[۲]

لکن از منظر رویه قضایی در پرونده‌های متعددی مشاهده می‌شود تحصیل غیرقانونی تسهیلات بانکی، از قبیل وام‌های بانکی در قالب عقدهای مختلف حقوقی، ضمانت‌نامه بانکی، اعتبار اسنادی و غیره، بدون رعایت تشریفات لازم برای اخذ این تسهیلات، یا استفاده از تسهیلات در غیر موارد توافق با بانک، تحصیل مال از طریق نامشروع محسوب شده است. حتی در برخی موارد به رغم این‌که عین مال نیز به همراه سود آن طبق مفاد قرارداد تسهیلات به بانک مسترد می شود و تصفیه‌حساب صورت می‌گیرد، رفتار ارتکابی مشمول ماده ۲ محسوب شده است؛ در حالی که به نظر می‌رسد در تحصیل غیرقانونی تسهیلات بانکی یا استفاده از این تسهیلات در غیر مورد

---

۱. از این به بعد قانون ارتقا نامیده می‌شود.

۲. ر.ک. حبیب زاده، محمدجعفر، حقوق جزای اختصاصی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت ۱۳۹۲، ص ۲۸. عبید، رؤوف؛ جرائم الاعتداء علی الاشخاص و الاموال؛ دارالفکر العربی؛ قاهره، ۱۹۸۵ م، ص ۴۸۳و القوجی، علی عبدالقادر؛ شرح قانون العقوبات، القسم العام؛ الدار الجامعیه؛ بیروت، ۱۹۸۸م. ص ۳۳۵ و استانبولی، ادیب؛ شرح قانون العقوبات؛ المکتبه القانونیه، دمشق، ۱۹۹۰.م، ص ۱۵۳۴. به نقل از حبیب زاده، محمد جعفر؛ تحلیل جرائم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران، انتشارت نشر دادگستر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۳، ص ۱۵۳.

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

توافق با بانک، اگر مرتکب قصد بردن عین مال موضوع تسهیلات را نداشته باشد، بلکه قصد وی از ابتدا استفاده از این تسهیلات و تصاحب منفعت تفکیک شده از عین مال باشد، در این حالت از شمول ماده ۲ خارج است؛ زیرا موضوع جرم این ماده مال است، نه منافع مالی.[۱]

لکن اگر مرتکب با اخذ تسهیلات بانکی از طریق غیرقانونی و و سایل متقلبانه قصد بردن عین مال موضوع تسهیلات را داشته باشد، به نظر می‌رسد در این فرض، در صورت احراز سایر شرایط، رفتار ارتکابی کلاهبرداری است. همچنین اگر در رفتار

---

۱. برای نمونه در یک پرونده بانک رفاه کارگران در سال ۱۳۸۶ علیه (الف) به اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع به طور خلاصه به این شرح شکایت می‌کند که؛ متهم با توسل به اقدامات متقلبانه و اطلاعات نادرست مبلغ ۱۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تسهیلات بانکی اخذ نموده و این تسهیلات را در غیر ما وضع له و مورد نظر صرف و هزینه شده است. شعبه ۱۱۹۲ دادگاه عمومی جزایی تهران در مورخ ۱۳۳۸۷/۳/۲۸ طی دادنامه شماره ۲۲، متهم را به اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع، به استناد ماده ۲، افزون بر رد مال محصله به میزان ۱۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در حق بانک رفاه کارگران به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم می‌نماید و با تجدیدنظر خواهی تجدیدنظر خواه پرونده به محاکم تجدیدنظر استان تهران ارسال و طبق دادنامه شماره ۶۰۴ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۷ شعبه ۷۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید می‌شود. در ادامه محکوم علیه نسبت به رأی صادره اعاده دادرسی می‌کند و شعبه ۹ دیوان عالی کشور با توجه به نامه‌های شماره ۳/۲۴۱۳ مورخ ۱۳۸۹/۰۵/۰۲ و ۳/۳۰۹۱ مورخ ۱۳۸۹/۰۷/۱۸ اصدار یافته از اداره حقوقی بانک رفاه کارگران مبنی بر این‌که محکوم علیه فاقد سابقه بدهی و اعتباری نزد شعب بانک رفاه کارگران است، مورد را با بندهای ۵ و ۶ ماده ۲۷۲ ق.آ.د.ک. ۱۳۷۸ منطبق دانسته و ضمن اجابت خواسته مستدعی اعاده دادرسی در اجرای ماده ۲۷۴ قانون مرقوم جهت رسیدگی مجدد به اتهام (الف) پرونده را به محاکم تجدیدنظر استان تهران اعاده می‌نماید. و پرونده به شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران واقع در مجتمع قضایی امور اقتصادی ارجاع می‌گردد و این شعبه طی دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۲۱۳۱۳۰۰۴۳۰ در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۰۳ به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می‌نماید. از عطف توجه به محتویات پرونده گویای این حقیقت است که تسهیلات بانکی موضوع اتهام در نتیجه اقدامات متقلبانه و ارائه اطلاعات نادرست تحصیل گردیده است و در غیر مورد نظر صرف و هزینه شده است و فرایند رفتار مجرمانه تماماً در زمان عضویت در هیأت‌مدیره محکوم علیه در شرکت تحقق یافته و به موجب نامه شماره ۳۳/۲۰۹۸ مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۲۴ اداره دعاوی بانک رفاه کارگران شرکت از تسهیلات اعطایی بهره مند و سپس این تسهیلات تسویه گردیده است. با عنایت به این‌که به استناد ماده ۲، هرکس بنحوی از انحا امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط لازم تفویض می‌گردد بدون داشتن شرایط تحصیل و از این راه مالی تحصیل نماید با جمع دیگر ارکان و شرایط لازم قابل تعقیب و مجازات خواهد بود و با التفات به این‌که اقدام لاحق در بازپرداخت وجوه محصله موجب زوال آثار عمل سابق در تحصیل وجوه در مانحن فیه نخواهد بود، بلکه حداکثر می‌تواند موجبات مخففه مجازات محسوب گردد، بنابراین رأی صادره را تأیید می‌نماید.

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

ا ستفاده از این تـ سهیلات در غیر مورد توافق با بانک، مرتکب قـ صد تحقق یکی از نتایج مجرمانه خیانت در امانت – اســتعمال، تصــاحب، اتلاف، مفقود کردن – نســبت به عین موضوع تسهیلات، نه منافع آتی عین تسهیلات را داشته باشد، رفتار ارتکابی خیانت در امانت اســت. بدیهی اســت اســتعمال مال امانی توســط امین، زمانی خیانت در امانت محســوب می‌شــود که متضــمن انکار حقوق متهم باشــد والا اگر اقدامات امین، هرچند واجد ضرر باشد، لکن اصولاً قصد تصاحب آن را نداشته باشد، به گونه‌ای که حقوق امانتگذار را منتفی کند، عمل او دارای شرایط تحقق جرم مذکور نیست. به عبارت دیگر، هرگاه امین از توافق فیمابین تخلف کند و بدون آن‌که قصد تصرف یا قصد انکار حقوق امانتگذار یا اثبات مالکیت خود بر مال امانی را داشته باشد، آن را در جهت خلاف توافق فیمابین استعمال کند، عمل او واجد عنوان مجرمانه نیست [۹، ص ۲۳۹].

بنابراین، برخلاف گفتمان سیاست جنایی قانونگذار به نظر می‌رسد رویه قضایی در اعمال ماده ۲ بین تحصــیل منافع و عین مال تفکیک قائل نمی‌شــود و تحصــیل منافع را مترادف تحصیل عین لحاظ می‌کند و موضوع جرم را به منافع مالی نیز توسعه می‌دهد.

اداره حقوقی قوه قضــاییه نیز در نظریات متعددی مثل نظریه‌های شــماره ۷/۲۶۷۸ مورخ ۸۲/۶/۲۷، [۱] و ۷/۱۰۸۲ ـ ۱۳۹۱/۶/۴، [۲] موضوع جرم را به منافع مالی توسعه داده است. این نظر مورد تأیید برخی حقوقدان‌ها نیز قرار گرفته است [۱۰، ص ۱۶۹].

---

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۲۶۷۸ مورخ ۸۲/۶/۲۷، مقرر می‌دارد: اقدام مسؤول اطلاعات نیروی انتظامی که مدیریت اماکن یکی از زیر مجموعه‌های آن می‌باشد، مبادرت به صدور مجوز فعالیت شعب صندوق‌ها در سطح استان در ازاء اخذ وام قرض الحسنه، برخلاف مقررات و ضوابط جاری صندوق (بدون داشتن سپرده و امتیاز وام) می‌کند و هیأت‌مدیره صندوق نیز جهت اخذ مجوز فعالیت با پرداخت وام‌های متعدد به شخص مسؤول و افرادی که از سوی وی معرفی شده‌اند موافقت می‌کند. به صورتی که مسؤول اطلاعات یک فقره وام ۱۶ میلیون تومانی قرض-الحسنه بدون بهره با اقساط ۲۰ ساله و افراد دیگری نیز وام‌هایی با مبالغ هنگفت (تا ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان) بدون بهره اخذ می‌کنند که این موارد یکی از موارد ورشکستگی صندوق ذکر گردیده است. مشمول ماده ۲، است.

۲. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۰۸۲ ـ ۱۳۹۱/۶/۴، اشعار می‌دارد: عمل مالک رسمی ملک مسکونی که پس از احداث چندین واحد آپارتمان، آن را با سند عادی به اشخاص دیگر واگذار می‌کند و سپس بدون اذن خریداران با ترهین ملک نزد بانک مبالغی به‌عنوان وام دریافت می‌کند که در اثر نپرداختن اقساط، ملک مذکور در معرض تملک بانک قرار می‌گیرد از مصادیق موضوع ماده ۲ قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به‌عنوان مال خود معرفی می‌نمایند نیست ولی می‌تواند از مصادیق ذیل ماده ۲ مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری (تحصیل مال نامشروع) باشد.

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

موضوع جرم ماده ۲۰ دارایی است که نه‌تنها مال، بلکه کلیه منافع مالی را نیز در بر می‌گیرد. بدین‌سان گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد در ماده ۲۰ به رغم تفاوت با گفتمان سیاست جنایی قانونگذار ایران در اعمال ماده ۲ در مورد توسعه موضوع جرم به منافع مالی، با برداشت رویه قضایی همپوشانی دارد.

۲-۱-۲. رفتار مجرمانه

رفتار مجرمانه دارای مفهوم گسترده است. فعل، ترک فعل، داشتن و نگهداری و مشاهده کردن و حالت مصداق‌هایی از رفتار هستند. با توجه به قید عبارت تحصیل در ماده ۲، رفتار مجرمانه این ماده به صورت فعل است. بدین‌سان از نظر گفتمان سیاست جنایی قانونگذار رفتار مجرمانه فقط به صورت فعل قابل ارتکاب است.

لکن رویه قضایی رفتار مجرمانه را به ترک فعل و داشتن و نگهداری نیز توسعه داده است.[۱] در پرونده‌های متعددی تصاحب مال گم شده رفتار مجرمانه ماده ۲ لحاظ شده است. این برداشت موجود در رویه قضایی مورد تأیید برخی از حقوقدانان نیز قرار گرفته است.[۲] اداره حقوقی نیز در نظریه‌های مشورتی شماره، ۷/۱۷۷۵مورخ ۱۳۸۹/۳/۲۵، ۷/۵۹۹۴ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۴، ۷/۴۵۸۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۵، ۷/۱۱۴۰ مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۴، ۷/۱۸۱۸ مورخ ۱۳۹۱/۹/۷، استفاده از برخی اشیای گم شده، مانند چک یا کارت‌های اعتباری و موبایلی را که هویت صاحبان آن قابل تشخیص است مشمول ماده ۲ محسوب کرده است. به نظر می‌رسد منظور از رفتار تحصیل، خارج کردن اموال مالباخته از تصرف وی و سپس به تصرف در آوردن آن توسط مرتکب است. بنابراین، اگر مرتکب برای خارج کردن مال از تصرف مالباخته اقدامی انجام ندهد و مال برای مثال در اثر سهل‌انگاری مالباخته از تصرف وی خارج شود و سپس مرتکب، مالی را

---

۱. برای نمونه در یک پرونده مالباخته گوشی تلفن همراه خود را مفقود کرده است علیه یابنده به اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع شکایت می‌کند. در نهایت مرجع قضایی پس از استعلام از مخابرات مالک سیم کارتی که سیم کارت وی در گوشی تلفن همراه مفقود شده، مورد استفاده قرار گرفته بود، شناسایی می‌شود و به اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع به جزای نقدی و رد مال -گوشی تلفن همراه مفقود شده - محکوم می‌گردد.

۲. ر.ک، منصور آبادی، عباس، موضوع جرم در باب جرائم علیه اموال، مجله اندیشه‌های حقوقی، سال ۱، شماره۴، ۱۳۸۲، ص ۱۲۶.

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

که از تصـرف مالباخته خارج شـده اسـت تصـاحب کند، رفتار ارتکابی ترک فعل و از شمول ماده مذکور خارج است [۱۱، ص ۳۱۲].[۱]

همچنین در رویه قضایی و در پرونده‌های متعدد مشاهده می شود رفتار صاحب حساب بانکی، در عدم استرداد وجه واریزی اشتباهی به حساب وی، جرم تحصیل مال از طریق نامشروع محسوب شده است؛ در حالی که از یک طرف، در این موارد مرتکب فعل مثبت مادی جهت خارج کردن مال از تصـرف مالباخته و تصـاحب آن انجام نداده اسـت و از طرف دیگر، نه‌تنها اقدامی برای خارج کردن مال از تصـرف مالباخته انجام نداده، بلکه اقدامی برای تصـاحب و دریافت مالی که بدون اقدام او از تصـرف مالباخته خارج شـده اسـت نیز صـورت نداده اسـت. بنابراین از شـمول مقررات راجع به دسـت‌اندازی در مال گمشـده نیز خارج اسـت و مرتکب هیچ گونه وظیفه قانونی در استرداد مال به مالباخته ندارد. بدین‌سان رفتار مجرمانه این ماده به داشتن و نگهداری توسعه پیدا کرده است. اداره حقوقی قوه قضایی طی نظریه مشورتی شماره ۷/۴۴۶۴ مورخ ۱۳۸۲/۹/۱۲، این برداشـت را تأیید کرده اسـت.[۲] لکن در مقابل اداره مذکور طی نظریه شماره ۷/۹۳/۲۰۰۹مورخ۹۳/۸/۲۴، اقدام مرتکب در عدم استرداد وجهی را که به اشتباه به حساب ایشان واریز شده است دارای وصف کیفری ندانسته است.[۳]

---

۱. ر. ک، حبیب زاده، محمدجعفر، سرقت در حقوق کیفری ایران، ویراست دوم، تهران، انتشارت نشر دادگستر، ۱۳۸۹، ص ۶۴-۶۲ و منصور آبادی، عباس، موضوع جرم در باب جرائم علیه اموال، مجله اندیشه‌های حقوقی، سال ۱، شماره۴، ۱۳۸۲، ص ۱۲۶.

۲. نظریه شماره ۷/۴۴۶۴ مورخ ۱۳۸۲/۹/۱۲، اشعار می‌دارد: چنانچه متصدّیان مربوطه عالماً وعامداً تکلیف قانونی خود رادرخصوص اقدام به قطع حقوق فرد نظامی فراری انجام نداده باشند و نظامی فراری با علم به این که حقّ دریافت حقوق و مزایا را ندارد اقدام به برداشت آن کرده باشد، عمل فرد نظامی مشمول قسمت ذیل مادّه ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاءء و اختلاس وکلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ است.

۲. برای نمونه در پرونده‌ای مالباخته به هنگام واریز وجه به حساب شخص ثالث، به اشتباه وجه را به حساب مرتکب واریز می‌کند و با مراجعه مالباخته، مرتکب از استرداد وجه واریزی خودداری می‌کند. با شکایت مالباخته، مرتکب به اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع تحت تعقیب و محاکمه قرار می‌گیرد و در نهایت به استناد ماده ۲ به پرداخت جزای نقدی و رد مال محکوم می‌شود.

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

رفتار مجرمانه ماده ۲۰ به صورت فعل، ترک فعل و داشتن و نگهداری قابل تحقق است. برای مثال ممکن است به روش‌های غیرقانونی زیر به دارایی مقام دولتی افزوده شود:

۱. در ازای انجام کاری، امتیازی از شخصی دریافت کند (فعل).

۲. بدون انجام توافق قبلی یکی از مراجعین مبلغی به حساب مرتکب واریز کند و طبق مقررات قانونی مرتکب موظف به استرداد مال به ارباب رجوع یا دولت یا اعلام موضوع به مراجع مربوط باشد؛ لکن مرتکب از اعلام آن یا استرداد آن خودداری ورزد (ترک فعل).

۳. اگر وظیفه قانونی در مورد استرداد یا اعلام موضوع نداشته باشد، رفتار مجرمانه داشتن و نگهداری است.

در بادی امر به نظر می‌رسد که رفتار مجرمانه ۲ از منظر رویه قضایی و گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد در ماده ۲۰ منطبق بر قاعده دارا شدن ناعادلانه است؛ لکن هرچند در برخی موارد این دو عنوان بر یکدیگر منطبق هستند، اما بین این دو تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. دارا شدن ناعادلانه هنگامی روی می‌دهد که شخصی بدون علت قانونی یا قراردادی به زیان دیگری دارا شود. در این صورت، طبق عدالت و انصاف و موازین اخلاقی، استفاده‌کننده باید عین مالی را که از این طریق به دست آورده یا بدل آن را به زیان‌دیده برگرداند [۱۲، ص ۵۲]؛ در حالی که در برای تحقق مواد پیشگفته و ورود ضرر به مالباخته ضرورت ندارد.

برخی معتقدند اگر افزایش چشمگیر دارایی از طریق غیرقانونی، لکن در اثر ارتکاب جرم صورت نگرفته باشد، رفتار ارتکابی مصداق ماده ۲۰ نیست؛ زیرا در این صورت، تفاوتی بین دارا شدن ناعادلانه و ماده ۲۰ وجود نخواهد داشت [۱۳، ص ۷۷]. لکن از یک طرف، در صورت پذیرش این استدلال در کلیه موارد دارا شدن من غیر حق از طریق ارتکاب جرم، رفتار مجرمانه واحد منطبق بر عناوین متعدد جرم می‌شود که طبق قواعد تعدد معنوی فقط مجازات جرم اشد تعیین می‌شود. بنابراین در کلیه موارد مقام قضایی ملزم است مجازات قانونی دارا شدن من غیرحق و جرم اصلی را مقایسه و هر کدام شدید بود، همان را به‌عنوان مجازات رفتار ارتکابی تعیین کند. از طرف

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

دیگر، با توجه به الفاظ ماده ۲۰، فلسفه و مبانی جرم‌انگاری این ماده، و سیاست افتراقی که قانونگذار آن با توجه به نوع بزه و بزهکار در قبال این جرم در پیش گرفته است، به نظر می‌رسد قانونگذار با توسعه مفهومی این ماده قصد دارد کلیه موارد افزایش چشمگیر دارایی مقام دولتی از طریق غیرقانونی، اعم از کیفری و غیرکیفری را جرم‌انگاری کند تا مقام دولتی نتواند از خلأ قوانین استفاده و به دارایی خود اضافه کند؛ زیرا اگر افزایش چشمگیر دارایی از طریق ارتکاب جرم باشد، جرم‌انگاری ماده ۲۰ ضرورت چندانی ندارد و قانونگذار افزایش چشمگیر دارایی مقام دولتی از طریق ارتکاب جرم را قبلاً جرم‌انگاری کرده است. لکن به نظر می‌رسد افزایش دارایی باید به سبب یا در ارتباط با موقعیت شغلی مرتکب باشد. بنابراین اگر مرتکب دلایلی ارائه کند که افزایش دارایی هرچند از طریق غیرقانونی صورت گرفته باشد، لکن ارتباطی با موقعیت شغلی وی نداشته باشد، از شمول این ماده خارج است؛ زیرا هدف و مبنای جرم‌انگاری ماده با این کیفیت موسع و مبهم جلوگیری از فساد است و افزایش دارایی مقام دولتی که ارتباطی با موقعیت شغلی وی ندارد، از شمول تعریف فساد خارج است.

بنابراین بین گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد در ماده ۲۰ به رغم تفاوت با گفتمان سیاست جنایی قانونگذار ایران در ماده ۲ درباره توسعه رفتار مجرمانه با رویه قضایی شباهت دارد.

۲-۱-۳. نتیجه مجرمانه

از نظر گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در ماده ۲ نتیجه مجرمانه تحصیل مال است که غالباً منجر به ضرر بزه‌دیده می‌شود و اگر در مواردی هم بزه‌دیده متضرر نشود، صرف تحصیل کافی است. اما اگر تحصیل محقق نشود، هرچند ضرر تحقق پیدا کرده باشد، جرم واقع نشده است؛ زیرا تحصیل مال از طریق غیرقانونی با ورود ضرر به مالباخته ملازمه ندارد.

برای مثال، تسهیلات وام بانکی به یک شخص برای هزینه در موضوع مشخصی اعطا می‌گردد، مرتکب از این تسهیلات در غیر مورد توافق با بانک استفاده می‌کند و از

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

این طریق منافع مالی تفکیک شده از عین مال موضوع تسهیلات، تحصیل می‌کند؛ لکن وفق شرایط قرارداد تسهیلات بانکی، وام دریافتی با سود متعلق را به بانک مسترد می‌کند. در این مثال به رغم تحقق جرم - تحصیل غیرقانونی منافع تفکیک شده در نتیجه سوءاستفاده از امتیاز خاص - با احراز سایر شرایط، نه‌تنها ضرر به بزه‌دیده وارد نشده، بلکه سود هم رسیده است. در مقابل، در فرض مذکور اگر مرتکب منافع مالی تفکیک شده از عین مال موضوع تسهیلات به دست نیاورد، هرچند ضرر به بانک وارد می‌شود، از شمول ماده ۲ خارج است؛ زیرا نتیجه مجرمانه (مال) توسط مرتکب تحصیل نشده است. بنابراین رویه قضایی در اعمال ماده ۲، نتیجه مجرمانه را به تحصیل منافع مالی توسعه می‌دهد.[۱]

همچنین در برخی موارد نیز نتیجه مجرمانه را به ورود ضرر به مالباخته و بدون ضرورت احراز تحصیل مال توسط مرتکب تسری می‌دهد. برای مثال در تحصیل غیرقانونی برخی از تسهیلات بانکی مانند اعتبار اسنادی، ضمانتنامه بانکی، یوزانس، اعتبار خرید، رفاینانس مبلغ تسهیلات به شخص ثالث حسب مندرجات قرارداد تسهیلات پرداخت می‌شود. در حالی که گاهی ممکن است مرتکب در مراودات مالی که با اشخاص ثالث داشته است، سودی به دست نیاورده باشد و بانک نیز در راستای مفاد قرارداد تسهیلات بانکی، وجه تسهیلات را به شخص ثالث پرداخت کند. در این فرض از یک طرف، هرچند خسارت به بانک وارد شده است، لکن مال توسط مرتکب تحصیل نشده است. از طرف دیگر، تعیین مال پرداخت شده توسط بانک به ثالث نیز به‌عنوان مبنای جزای نقدی و رد مال صحیح نیست.

نتیجه مجرمانه در ماده ۲۰، افزایش دارایی مرتکب است و این افزایش دارایی می‌تواند ناشی از تحصیل عین مال یا منافع آن باشد. همچنین برخلاف رویه قضایی در اعمال ماده ۲ ورود ضرر به مالباخته تأثیری در تحقق این جرم ندارد.

بنابراین، رویه قضایی برخلاف گفتمان سیاست جنایی قانونگذار و برخلاف گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد در ماده ۲۰، در مورد نتیجه مجرمانه یک گام فراتر

---

۱ . برای ملاحظه نمونه رأی در مورد توسعه نتیجه مجرمانه به منافع مالی به پاورقی شماره ۳ صفحه ۴ این مقاله مراجعه کنید.

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

می‌رود و در برخی موارد، صرف ورود ضرر به مالباخته بدون احراز افزایش دارایی را مشمول ماده ۲ محسوب می‌کند. همچنین برخلاف گفتمان سیاست جنایی قانونگذار نتیجه مجرمانه را به تحصیل منافع مالی توسعه می‌دهد.

۲-۱-۴. رابطه سببیت

احراز رابطه سببیت بین رفتار مجرمانه و نتیجه مترتب بر آن، در همه جرائم مقید، لازم است. رابطه سببیت، حلقه اتصال دو عنصر از رکن مادی (رفتار مجرمانه، نتیجه مجرمانه) است؛ به گونه‌ای که از نظر منطقی و عرفی بتوان گفت نتیجه مجرمانه ناشی از رفتار مرتکب بوده است، گرچه ممکن است شرایط دیگری نیز در کنار عامل (رفتار مجرمانه) تحقق یابد [۱۴، ص۲۸۷].

از منظر گفتمان سیاست جنایی قانونگذار، ماده ۲ جرم مقید به نتیجه مجرمانه تحصیل مال است. بنابراین اگر نتیجه مجرمانه (تحصیل مال)، به هر علتی غیر از رفتار مجرمانه مرتکب (توسل به روش‌های غیرقانونی) حاصل شود و بین عمل مرتکب و خارج شدن مال از تصرف مالباخته و تصاحب مال، رابطه سببیت احراز نشود، رفتار ارتکابی مصداق ماده ۲ نیست. همچنین برای احراز رابطه سببیت به کار بردن روش‌های غیرقانونی مقدم بر خارج شدن مال از مالکیت مالباخته ویا لااقل همزمان با آن ضرورت دارد. هرچند در اکثر مواقع، تصاحب مال ملازمه با خارج کردن مال از تصرف مالباخته دارد؛ لکن در برخی موارد ممکن است مال از تصرف مالباخته به علت دیگری که ارتباطی به مرتکب ندارد، خارج شده باشد و مرتکب مالی را که مالباخته تصرفی بر آن ندارد، تصاحب کند. اما رویه قضایی در اعمال ماده ۲ با توسعه رفتار مجرمانه به ترک فعل و داشتن و نگهداری، ضرورت احراز رابطه سببت بین رفتار مجرمانه مرتکب و تحصیل مال را نادیده می‌گیرد. برای مثال در تصاحب مال گم‌شده یا عدم استرداد وجه واریزی به حساب وی، رفتار مجرمانه مرتکب موجب خروج مال از تصرف مالباخته و تصاحب بعدی آن نمی‌شود.

در ماده ۲۰ برخلاف ماده ۲، نتیجه مجرمانه تحصیل مال نیست، بلکه افزایش چشمگیر دارایی است. بنابراین، نیازی به خارج کردن مال از تصرف مالباخته نیست و

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

به صرف احراز افزایش چشمگیر دارایی از طریق غیرقانونی در ارتباط با موقعیت شغلی وی، رابطه سببیت در این جرم محقق می‌شود. بدین‌سان چون در این ماده، رفتار مجرمانه با ترک فعل و داشتن و نگهداری نیز قابل تحقق است، بنابراین احراز رابطه سببیت در تمام موارد دارا شدن من غیرحق ضرورت ندارد.

بنابراین در مورد عدم ضرورت احراز رابطه سببیت بین رویه قضایی به رغم تفاوت با گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در ماده ۲ با گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد در ماده ۲۰ مشابهت وجود دارد.

۲-۲. رکن روانی

هر دو جرم ماده ۲ و ماده ۲۰ جرم عمدی است و به استناد ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی در تحقق جرائم عمدی، علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آن‌ها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود. رکن روانی جرائم پیشگفته در سه قسمت علم، سوءنیت عام و سوءنیت خاص بررسی می‌شود.

۲-۲-۱. علم

قاعدتاً عدم آگاهی یا جهل به قانون باید نافی قصد مجرمانه و سوءنیت باشد؛ زیرا تا چیزی را انسان نداند، نمی‌تواند خواهان نقض آن باشد، ولی با وجود این مطالب در اکثر نظام‌های حقوقی _ مانند نظام حقوقی ایران در ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی_ به خاطر حفظ نظم در جامعه قانونگذار فرض را بر این می‌گذارد که با تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون کلیه افراد جامعه نسبت به آن قانون آگاهی دارند. لذا دفاع جهل حکمی جز در موارد استثنایی پذیرفته شده نیست که این امر اصطلاحاً به صورت قاعده « جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست» بیان می‌شود. در ماده ۲ و ماده ۲۰ نیز علم به حکم مفروض است.

علم به موضوع، یعنی مرتکب جرم از موضوع حکم آگاهی داشته باشد. در برداشت مضیق از ماده ۲ - گفتمان سیاست جنایی قانونگذار - منظور از علم به موضوع، علم

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

و اطلاع مرتکب به تحصیل مالی است که از طریق غیرقانونی و درچارچوب مصادیق صدر ماده ۲ صورت می‌گیرد.

لکن در برداشت موسع - برداشت مراجع قضایی - علم و اطلاع مرتکب به تحصیل مالی است که در چارچوب قوانین و مقررات مربوط به تملک مال - ماده ۱۴۰ قانون مدنی و سایر قوانینی که قانونگذار به طور صریح، تحصیل و تملک مال را قانونی اعلام می‌کند - صورت نمی گیرد. به عبارت دیگر، مرتکب باید علم داشته باشد مالی که به دارایی وی اضافه شده است از طرق قانونی صورت نگرفته است. بدین‌سان علم به کلیه مصادیق قاعده دارا شدن ناعادلانه حتی بدون نیاز به احراز علم به ورود ضرر به مالباخته منجر به تحقق علم به موضوع طبق برداشت رویه قضایی می‌شود.

موضوع در ماده ۲۰ افزایش چشمگیر دارایی در ارتباط با موقعیت شغلی مرتکب است. بنابراین به محض این‌که مرتکب از افزایش چشمگیر دارایی در ارتباط با موقعیت شغلی علم پیدا کند، علم به موضوع محقق می‌شود.

بنابراین، محدوده علم به موضوع در رویه قضایی در اعمال ماده ۲ گسترده‌تر از ماده ۲۰ است؛ زیرا علم به افزایش دارایی از هر طریقی و به هر علتی به صرف قانونی نبودن افزایش دارایی، منجر به احراز علم به موضوع از نظر رویه قضایی می‌شود؛ در حالی که در ماده ۲۰ علم به افزایش دارایی در ارتباط با موقعیت شغلی مرتکب ضرورت دارد. در گفتمان سیاست جنایی قانونگذار نیز علم به تحصیل مال از طریق موارد تمثیلی ذکر شده در صدر ماده ۲ برای احراز علم به موضوع ضرورت دارد و قلمرو آن نسبت به رویه قضایی در اعمال ماده ۲ و ماده ۲۰ محدودتر است.

۲-۲-۲. سوءنیت عام

از منظر گفتمان سیاست جنایی قانونگذار سوءنیت عام در ماده ۲ از دو قسمت تشکیل شده است: ۱) توسل عالمانه و عامدانه مرتکب به روش‌های غیر قانونی در چارچوب مصادیق صدر ماده مذکور برای خارج کردن مال از تصرف مالباخته؛ ۲) عمد و قصد مرتکب در تصاحب مال. برای تحقق سوءنیت عام احراز هر دو شرط لازم است و صرف تحقق یکی کافی نیست. هرچند در اکثر مواقع، قصد و عمد در تصاحب مال ملازمه با قصد و عمد در خارج کردن مال از تصرف

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

مالباخته دارد، لکن در برخی موارد ممکن است این گونه نباشد. برای مثال در تصاحب مال گمشده، هرچند مرتکب با علم و قصد مال غیر را تصاحب می‌کند، لکن مال مذکور در اثر اقدامات مرتکب از تصرف مالباخته خارج نشده است. بنابراین احراز علم و عمد مرتکب در خارج کردن مال از تصرف مالباخته سالبه به انتفاء موضوع است.

از نظر رویه قضایی، دکترین، قضات در نشست‌های قضایی و مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته، و اداره حقوقی قوه قضاییه در اکثر نظریه‌های مشورتی صادر شده، سوءنیت عام عبارت است از تصاحب عالمانه و عامدانه هر نوع مالی که به طور قانونی به دارایی مرتکب اضافه نشده است. بنابراین برای تحقق سوءنیت عام احراز عمد و قصد در خارج کردن مال از تصرف مالباخته یا تصرف مال غیر یا تحصیل مال از طریق غیرقانونی در چارچوب مصادیق صدر ماده ۲ ضروری نیست.[۱]

سوءنیت عام در ماده ۲۰ عبارت است از قصد و عمد مرتکب در افزایش چشمگیر دارایی در ارتباط با موقعیت شغلی مرتکب؛ اعم از این‌که این قصد و عمد به فعل یا ترک فعل یا داشتن و نگهداری تعلق بگیرد. بنابراین در مورد سوءنیت عام بین رویه قضایی در اعمال ماده ۲ و ماده ۲۰ همپوشانی وجود دارد.

۲-۲-۳. سوءنیت خاص

سوءنیت خاص به معنای قصد تحقق نتیجه مجرمانه است. از نظر گفتمان سیاست جنایی قانونگذار سوءنیت خاص در ماده ۲، قصد تصاحب مال به دست آمده از طریق غیرقانونی در چارچوب مصادیق صدر ماده است. بنابراین قصد تصاحب منافع مالی مصداق سوءنیت خاص این ماده نیست. همچنین ماده ۲ از جمله جرائم آنی است و به محض تصاحب مال جرم واقع می‌شود و استرداد یا عدم استرداد مال تأثیری در تحقق ماهیت جرم ندارد. بدین‌سان موعد آغاز شروع به تعقیب از زمان تحصیل مال توسط مرتکب است.

رویه قضایی سوءنیت خاص را به قصد تصاحب مافع مالی توسعه می‌دهد. همچنین به رغم این‌که ماده ۲ جرم آنی است، در برخی موارد این ماده را از جمله جرائم مستمر

---

۱ . برای ملاحظه مستندات و استدلال به قسمت رکن مادی این نوشتار مراجع کنید.

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

محسوب می‌کند و به تبع آن موعد آغاز شروع به تعقیب کیفری نیز تا زمان استرداد مال به مالباخته تعمیم می‌یابد؛ زیرا رفتار مجرمانه به ترک فعل[1] و داشتن و نگهداری[2] توسعه پیدا می‌کند.

سوءنیت خاص در ماده ۲۰ قصد تصاحب دارایی چشمگیر اعم از مال و منافع مالی است. بنابراین اگر مرتکب با قصد تصاحب دائمی، اقداماتی مالکانه نسبت به اموالی که به دارایی وی به صورت من غیرحق و در رابطه با موقعیت شغلی وی اضافه شده است، انجام ندهد، سوءنیت خاص محقق نمی‌شود.

بنابراین برخلاف گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در ماده ۲ سوءنیت خاص در رویه قضایی با ماده ۲۰ همپوشانی دارد.

۳. افتراقی‌سازی سیاست جنایی براساس معیار نوع بزه، بزهکار و بزه‌دیده

یکپارچگی فرهنگی و اجتماعی جوامع آغاز سده نوزدهم ایجاب می‌کرد سیاست جنایی واحد در قبال مجرمین اعمال شود. به‌تدریج جرائم و کیفرهای جدیدی به موازات تحولات اجتماعی، سیاسی، صنعتی، فناورانه و علمی به‌ویژه در نیمه دوم سده بیستم وارد حقوق کیفری شدند که بازنگری اصول حقوق کیفری آغاز سده نوزدهم را ضروری می‌نمود. بدین‌سان عصر برخورد یکسان با بزهکاری به سر آمده است و با متنوع شدن جرائم بزهکاران و بزه‌دیدگان، از نظر گونه‌شناسی باید متنوع کردن راهبردها و پاسخ‌های حقوق کیفری و به طور کلی سیاست جنایی را نیز بررسی کرد. بدین ترتیب افتراقی‌سازی سیاست جنایی به‌عنوان یک راهبرد جدید وارد مطالعات سیاست جنایی شد.

---

۱. برای مشاهده نمونه پرونده در مورد توسعه نتیجه مجرمانه به ترک فعل به پاورقی شماره ۲ صفحه ۶ مراجعه کنید.

۲. برای مشاهده نمونه پرونده در مورد توسعه نتیجه مجرمانه به داشتن و نگهداری به پاورقی شماره ۲ صفحه ۷ مراجعه کنید.

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

راهبرد افتراقی‌سازی سیاست جنایی به لحاظ تاریخی ابتدا به صورت دوقطبی‌سازی یا دوگانه‌سازی مقابله با بزهکاران خطرناک شروع شد. بر این اساس، بزهکاران مکرر یا خطرناک باید از بقیه بزهکاران تفکیک شوند؛ ولی دیری نپایید که در گام دوم، افتراقی‌سازی چندجانبه سیاست جنایی به‌عنوان راهبرد جدید مطرح شد [۱۵، ص ۵۳-۵۵].

با گذر زمان، افتراقی‌سازی سیاست جنایی، دارای هندسه چندضلعی شد و افزون بر جرم و مجرم، موقعیت جرم، آماج جرم و شخص بزه‌دیده و به طور کلی «موقعیت یا وضعیت پیش‌جنایی» را نیز در جهت‌گیری‌ها و محتوای برنامه‌های خود وارد کرد.

بدین ترتیب، افتراقی شدن سیاست جنایی حکایت از پیچیده‌تر شدن و متنوع‌تر شدن جوامع بشری از نظر علمی، فرهنگی و اقتصادی دارد که به نوبه خود موجب تنوع جرائم، مرتکبان و موقعیت‌ها یا وضعیت‌های پیش‌جنایی، آماج‌ها و قربانیان جرائم شده است. بـدین‌سان افتراقی‌سازی سیاست جنایی در گفتمان قانونگذار عمدتاً در چارچوب سه معیار ۱) گونه‌شناسـی جـرائم، ۲) گونه‌شناسی بزهکاران، ۳) گونه‌شناسی موقعیت بزه‌دیدگان و موقعیت‌های مشرف بر ارتکـاب جـرم صورت گرفت [۱۶، ص ۱۷].

در بررسی پرونده‌های قضایی نیز ملاحظه می‌شود افتراقی شدن رویه قضایی در اعمال ماده ۲، همانند گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در چاچوب سه معیار ۱) گونه‌شناسـی جـرائم، ۲) گونه‌شناسی بزهکاران، ۳) گونه‌شناسی موقعیت پیش‌جنایی قابل بررسی است. بنابراین در این قسمت از نوشتار افتراقی‌سازی سیاست جنایی ایران در اعمال ماده ۲ در چارچوب سه معیار پیشگفته در تطبیق با ماده ۲۰ کنوانسیون مبارزه با فساد توصیف و تحلیل می‌شود.

۳-۱. معیار بزه

عمده جرائم، یعنی اعمال و رفتارهایی که هسته حقوق کیفری محسوب می‌شوند در قانون مجازات عمومی کشورها پیش‌بینی می‌شود و با مفاد قانون آیین دادرسی کیفری راهبرد اصلی سیاست جنایی را تشکیل می‌دهد. به این راهبرد عمومی راهبردهای دیگری به‌تدریج اضافه شده است که معمولاً در قوانین کیفری ماهوی و شکلی خاص

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

تعریف می‌گردد (جرم‌انگاری‌ها، کیفرگذاری‌ها و گاه وضع آیین دادرسی خاص برای جرائم جدید). گاه ترکیب عناصر جرائم (مثلاً عنصر معنوی جرم مفروض گرفته می‌شود یا تعریف جرم به صورت باز انشا می‌شود، چندان که مرتکب اصلی، معاون و مباشر قابل تعقیب باشند و...)، آیین دادرسی و ضمانت‌اجراهای آن‌ها و نحوه اجرای محکومیت‌های کیفری از اصول عمومی قانون مجازات و قانون آیین دادرسی کیفری پیروی نمی‌کنند. در این زمینه می‌توان به جرائم مواد مخدر، قاچاق انسان و جرائم رایانه‌ای اشاره کرد. البته این اتفاق گاه ممکن است در درون قانون مجازات و آیین دادرسی نیز صورت گیرد (مانند پیش‌بینی آیین دادرسی خاص برای کودکان و نوجوانان) [۱۲، ص۵۹ – ۶۰].

افتراقی سازی سیاست جنایی براساس گونه‌شناسی جرائم در قلمرو فساد اداری مـالی، به شکل پیش‌بینی قوانین کیفری ماهوی و شکلی خاص و فساد مالی، معمولاً خارج از قانون مجازات صورت می گیرد [۲، ص ۲۲]. قانون ارتقا و قانون تشدید نمونه‌ای از این گونه قوانین است.

از منظر گفتمان سیاست جنایی قانونگذار، ماده ۲ از یک طرف، به‌عنوان یکی از عناوین مجرمانه قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری تعیین شده است. از عنوان قانون بر می‌آید قانونگذار در این قانون درصدد جرم‌انگاری انحرافات مالی و رفع خلأ جرائم سبک مالی نیست، بلکه درصدد سختگیری کیفری و رفع خلأ قانون کیفری در مورد سوءاستفاده‌های مالی اشخاص خاصی است که امتیازات خاص به آن‌ها واگذار شده است. بنابراین به نظر می‌رسد عنوان قانون پیشگفته، تفصیلی است که جنبه توصیفی دارد و قانونگذار معتقد به سیاست جنایی افتراقی در اعمال این ماده است و تبصره آن نیز در مورد محدودیت تخفیف و ممنوعیت تعلیق بیانگر سیاست جنایی افتراقی است. از طرف دیگر، ماده ۲ یکی از عناوین مجرمانه قانون ارتقا است. این قانون نیز به تمام عناوین مجرمانه قانون تشدید (کلاهبرداری، تحصیل مال از طریق نامشروع، رشا و ارتشاء و اختلاس) اشاره کرده و تمام این جرائم را مصداق فساد محسوب کرده است و به تبع آن قانونگذار براساس معیار بزه سیاست جنایی افتراقی در پیش گرفته است.

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

لکن رویه قضایی با توسل غیرقانونی به جرم‌انگاری قضایی و توسعه این ماده به انحرافات مالی، همان طور که به صورت مستند و مستدل پیش‌تر بیان شد، برخلاف گفتمان سیاست جنایی افتراقی قانونگذار ایران عمل می‌کند.

به نظر می‌رسد تجزیه ماده ۲ و تبصره آن به ۵ بخش و استناد به تفسیر لفظی یک بخش –«... یا به طور کلّی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است...» – بدون در نظر گرفتن بخش‌های دیگر، و همچنین عدم توجه به مبانی و ملاک جرم‌انگاری، اوضاع و احوال حاکم بر تصویب قانون تشدید و مشروح صورت مذاکرات مجلس هنگام تصویب ماده پیشگفته با برخی از قواعد و ابزارهای تفسیر قانون کیفری تعارض دارد و به صورت غیرقانونی جرم‌انگاری قضایی انجام می‌شود که در این جرم‌انگاری قضایی اصول مسلم حقوق جزا از قبیل حاکمیت قانون، تناسب بین جرم و مجازات، اصل برائت، منع مجازات‌های غیرضرور، برابری و تساوی افراد در برابر قانون، اصول جرم‌انگاری، کرامت ذاتی انسان، ممنوعیت اقدامات و مجازات‌های ظالمانه، ممنوعیت تعیین مجازات‌های نامتناسب، ممنوعیت استفاده ابزاری از انسان، و موازین دادرسی عادلانه رعایت نمی‌شود.

دارا شدن من غیرحق درماده ۲۰ در کنوانسیون مبارزه با فساد مریدا مقرر شده است. این کنواسیون در قطعنامه ۵۸/۴ مورخ ۱۳ اکتبر ۲۰۰۳ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است و حدود ۱۴۴ کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران به عضویت آن در آمده‌اند. همچنان که از عنوان قانون کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد بر می‌آید، سازمان ملل دارا شدن من غیر حق را طبق شرایط مذکور در ماده ۲۰ به‌عنوان یکی از مصادیق فساد تعیین کرده است و سیاست جنایی افتراقی براساس معیار بزه از جمله عدم تعریف فساد اشاره کرد. به رغم این‌که همه کشورها از بدو تشکیل حکومت‌ها با معضل فساد و آثار و تبعات نامطلوب آن آگاهی دارند، هنوز درباره تعریف آن اتفاق‌نظری وجود ندارد[۱۷، ص ۲۰۷؛ ۱۸، ص ۱۶۳].[۱]

---

۱. برای ملاحظه نمونه تعریف از فساد ر.ک؛ لانگست، پیتر و دیگران، برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد، ترجمه امیر حسین جلالی فراهانی و حمید بهره‌مند بگ نظر، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

بدین‌سان، از منظر گفتمان سیاست جنایی قانونگذار ایران در ماده ۲ و گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد در ماده ۲۰ براساس معیار بزه، سیاست جنایی افتراقی در مقایسه با جرائم عادی وجود دارد؛ در حالی که در رویه قضایی چنین سیاست جنایی افتراقی مشاهده نمی‌شود.

۳-۲. معیار بزهکار

از منظر گفتمان سیاست جنایی قانونگذار ایران از یک طرف، همان طور که از عنوان قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۷) بر می‌آید، قانونگذار طی این قانون درصدد تشدید مجازات اشخاص خاصی است که می‌توانند مرتکب جرائم مقرر در قانون مذکور شوند. همچنین در برداشت مضیق از ماده ۲ و تفسیر با در نظر گرفتن کلیه قسمت‌های آن مخصوصاً قسمت صدر ماده («... هر کس به نحوی از انحا، امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد...») شخصیت بزهکار در تحقق جرم تأثیر دارد و هر شخصی نمی‌تواند مرتکب این جرم باشد، بلکه مرتکب باید شرایط خاصی داشته باشد.

از طرف دیگر، قانونگذار در قانون ارتقا طبق ماده ۲ آن، به طور صریح اشخاصی را که می‌توانند مرتکب جرائم مذکور در این قانون شوند به طور حصری تعیین کرده است و هر شخص عادی نمی‌تواند بزهکار جرائم فساد محسوب شود. بنابراین براساس گفتمان قانونگذار ایران سیاست جنایی افتراقی براساس معیار بزهکار در اعمال ماده ۲ وجود دارد و بر پایه آن سیاست جنایی ماهوی و شکلی متفاوت در مقایسه با مجرمان عادی پیش‌بینی شده است.

نخست، ۱۳۸۷، ص ۱۵. همچنین همدمی خطبه سرا، ابوالفضل، فساد مالی، علل زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی چاپ دوم، ۱۳۸۷، ۲۵. همچنین:

"The abuse of authority in exchange of an advantage" XVIIth International Congress of Penal Law Resolouions, Section II , Corruption and Related Offencess in International Business Relation: Htt: //www. Aidpbrasil. Org.br/ Resolutions %20-20XVIIth%20 Congress%20AIDP%20-%20IngC%3AAs.pdf

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

لکن رویه قضایی با برداشت موسع با استناد به اولین کلمه ماده ۲ («هر کس...») و قسمت اخیر ماده («... یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است...») و بدون در نظر گرفتن سایر بخش‌های ماده، شخصیت مرتکب را در تحقق جرم مؤثر لحاظ نمی‌کند و در عمل و به صورت غیرقانونی در برخی موارد رفتارهای فاقد وصف کیفری- مانند تحصیل منافع مالی و نیز تحصیل مال با ترک فعل و داشتن و نگهداشتن - را به علت وضعیت خاصی که مرتکب در زمان تحقق جرم داشته است، مشمول ماده ۲ محسوب می‌کند.

به نظر می‌رسد این برداشت قابل اعمال در مورد تمام مرتکبان آن نیست؛ زیرا از یک طرف ماده پیشگفته به انحرافات مالی توسعه داده می‌شود، در حالی که افراد زیادی مرتکب انحرافات مالی مثل تصاحب مال گمشده یا تصاحب مال از طریق معامله باطل یا فسخ شده و غیره می‌شوند و از طرف دیگر، در آرای قضایی بی‌شماری تحصیل غیرقانونی تسهیلات بانکی - منافع مالی - اعم از اخذ وام در قالب قراردادهای مختلف حقوقی، ضمانتنامه بانکی و اعتبار اسنادی وغیره، یا هزینه تسهیلات در غیر محل توافق با بانک، تحصیل مال از طریق نامشروع محسوب شده است. سرپرست وقت مجتمع قضایی امور اقتصادی از آمار ۳۰ الی ۴۰ درصدی پرونده‌های تحصیل مال از طریق نامشروع در آن مجتمع خبر داده بود [۱۲، ص ۸]. در حالی که افراد بسیاری در کشور از طریق غیرقانونی تسهیلات بانکی تحصیل می‌کنند یا تسهیلات اخذ شده را برخلاف توافق با بانک در جای دیگری هزینه می‌کنند، لکن هیچ موقع به اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع تحت تعقیب قرار نمی‌گیرند. برای مثال در فاصله بین سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۸ چندین فقره تسهیلات وام خرید مسکن به قضات و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها اعطا شده است، در حالی تسهیلات بانکی وام خرید مسکن، طبق شرایط خاصی به اشخاصی که فاقد مسکن هستند و یک مرتبه در طول ده سال اعطا می‌شود، اما برخی قضات و اعضای هیأت علمی چندین مرتبه این تسهیلات را به صورت غیرقانونی اخذ کرده‌اند و طبق این برداشت مرتکب جرم شده‌اند. در حالی که تفاوتی مهم و اساسی بین رفتار مجرمانه مرتکبانی که بنا بر هر علتی تحت تعقیب قرار نمی‌گیرند با مرتکبانی که به هر علتی

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

تحت تعقیب قرار می‌گیرند، وجود ندارد. شاید تنها تفاوت در برخی موارد میزان تسهیلات دریافتی باشد؛ لکن میزان مال حاصل از راه نامشروع و غیرقانونی در تحقق جرم تأثیری ندارد و فقط می‌تواند از کیفیات مخففه قضایی باشد. حتی در برخی موارد میزان تسهیلات دریافتی نیز یکسان است. بدین‌سان طبق برداشت موسع بسیاری از شهروندان ایرانی مرتکب جرم تحصیل مال از طریق نامشرع شده‌اند.

یکی دیگر از موارد افتراقی شدن ماده ۲ در رویه قضایی به اعتبار معیار بزهکار، تخفیف عنوان مجرمانه به نفع متهم - جنحه‌ای کردن جرائم جنایی[۱]- است. در موارد متعددی در رویه قضایی مشاهده می‌شود که رفتار ارتکابی مصداق بارز جرائم شدید از قبیل اختلاس، ارتشاء، کلاهبرداری و انتقال مال غیراست؛ لکن بنا بر مصلحت‌گرایی کارگزاران نظام عدالت کیفری به جهت این‌که مجازات جرائم موصوف شدید و غیرقابل تخفیف است، در مواردی که مقام قضایی قصد تخفیف مجازات دارد یکی از شرایط لازم برای تحقق جرائم موصوف را نادیده می‌گیرد و رفتار ارتکابی را مشمول ماده ۲ محسوب می‌کند.

یکی از حقوقدانان در این خصوص معتقد است[۲]: یکی از استفاده‌های مناسب از ذیل ماده مذکور بحث تخفیف عنوان مجرمانه به نفع متهم - جنحه‌سازی به منظور ارفاق متهم - است. چون ماده ۱ قانون تشدید اجازه تخفیف را به قاضی نمی‌دهد، در مواردی که قاضی قصد اعطای تخفیف را دارد می‌تواند سراغ جنحه‌سازی - تخفیف عنوان مجرمانه به نفع متهم - برود و به جای استناد به ماده ۱ قانون تشدید به ماده ۲ این قانون استناد کند و جرم را از کلاهبرداری به تحصیل مال از طریق نامشروع تنزل دهد و این اقدام، اقدام ارفاقی و مناسب به حال متهم خواهد بود. بدین ترتیب اعمالی وجود دارند که جنحه تلقی کردن قضایی آن‌ها عملاً یک حقوق

---

۱. با توجه به این‌که در قوانین فعلی ایران تقسیم بندی جرائم به جنایت و جنحه و خلاف حذف شده است. بنابراین از این اصطلاح در این مقاله استفاده نمی شود.

۲. دکتر علی آزمایش قابل مشاهده در سایت http: //rhogh ough.ir/ 139112/.html

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

موضوعه موازی را تشکیل می‌دهد؛ زیرا این شیوه عمل بیش‌تر موافق و مطابق احساس عمومی عدالت و مصالح و منافع واقعی جامعه است [۱۹، ص ۴۱۶-۴۱۸].

در ماده ۲۰ نیز شخصیت مرتکب در تحقق جرم مؤثر است و مرتکب جرم فقط مقام دولتی است و بدین‌سان، در گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل در ماده ۲۰ همانند گفتمان سیاست جنایی قانونگذار ایران در ماده ۲ و برخلاف رویه قضایی، به اعتبار موقعیت بزهکار سیاست جنایی افتراقی وجود دارد.

۳-۳. معیار وضعیت پیش‌جنایی

موافقان برداشت موسع با توجه به قسمت سوم ماده ۲ و بدون در نظر گرفتن سایر بخش‌های آن، بر این باور هستند که شخصیت بزه‌دیده در تحقق جرم تأثیری ندارد و هر شخصی می‌تواند بزه‌دیده این جرم شود. رویه قضایی نیز به تبع این برداشت شخصیت بزه‌دیده را در تحقق جرم مؤثر نمی‌داند.

از منظر گفتمان قانونگذار با توجه به مبانی جرم‌انگاری، منبع و ملاک جرم‌انگاری، مشروح صورت مذاکرات مجلس هنگام تصویب ماده مذکور و اوضاع و احوال حاکم بر تصویب قانون تشدید و قواعد حاکم بر تفسیر قانون کیفری و اصل حاکمیت قانون، به نظر می‌رسد که برداشت موسع تفسیر صحیحی از این ماده نیست و شخصیت بزه‌دیده در تحقق جرم تأثیر دارد و بزه‌دیده این جرم اشخاصی هستند که صلاحیت دادن امتیازات خاص را دارند. به نظر می‌رسد بزه‌دیده این جرم منحصر به اشخاص دولتی نیست و کلیه اشخاصی که صلاحیت اعطای امتیاز دارند، بزه‌دیده این جرم محسوب می‌شوند و اشخاص صلاحیتدار را نیز قانون تعیین می‌کند. بنابراین بانک‌های خصوصی نیز که طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) صلاحیت اعطای تسهیلات مالی دارند، می‌توانند بزه‌دیده این جرم محسوب شوند.

رویه قضایی نه‌تنها تأثیر شخصیت بزه‌دیده را در تحقق جرم لحاظ نمی‌کند، بلکه با توسل غیرقانونی به معیار وضعیت پیش‌جنایی - موقعیت بزه‌دیده - به صورت غیرقانونی و با توسل به عذر حمایت از بزه‌دیدگان مظلوم رکن مادی ماده ۲ را توسعه می‌دهد. در مواردی نیز بزه‌دیدگان دارای قدرت و نفوذ، در اوضاع خاص و در مورد

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

بزهکاران خاص دستگاه قضایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند تا با توسعه ماده ۲ به رفتارهایی که فاقد وصف کیفری هستند، برخورد کیفری صورت گیرد. در مواردی نیز نه‌تنها درباره رفتاری که فاقد وصف کیفری است - مثل تحصیل ناروای تسهیلات بانکی -، تعقیب کیفری شروع می‌شود، بلکه این رفتار فاقد وصف کیفری با برخورد شدید کیفری - مجازات حبس - روبه‌رو می‌شود.[۱]

به طور کلی موقعیت بزه‌دیدگان از چند طریق بر رویه قضایی در اعمال ماده ۲ ایران در قبال جرم تحصیل مال از طریق نامشروع تأثیر گذاشته است و در عمل موجب رویه قضایی افتراقی در قبال جرم مذکور براساس معیار بزه‌دیده شده است.

۱- رویه قضایی با توسل به بهانه حمایت از بزه‌دیدگان مظلوم، معتقد به برداشت موسع از ماده ۲ است[۲] [۲۰، ص ۲۹۷] و به تبع آن سیاست جنایی افتراقی اجرا می‌کند. در مصاحبه عمیق انجام شده با قضات نیز قریب به اتفاق قضات مصاحبه‌شونده، حمایت از حقوق بزه‌دیدگان را به‌عنوان یکی از دلایل انتخاب رویکرد موسع توسط رویه قضایی بیان کردند. طبق این استدلال اعمال و اجرای برداشت موسع از این جرم به طور مساوی در مورد همه مرتکبان ضرورت دارد.

در رویه قضایی مشاهده می‌شود برخی مراجع قضایی در برخی از پرونده‌ها به صلاحدید خودشان با توسعه ماده ۲ به رفتارهایی فاقد وصف کیفری است متهم را تحت فشار قرار می‌دهند تا خسارت‌های وارد به مالباخته را جبران کند و بعد از جبران خسارت و اخذ رضایت مالباخته با استناد به فقد دلیل جهت اثبات بزه یا فقد وصف کیفری رفتار ارتکابی پرونده را مختومه می‌کنند.

همان طور که بیان شد، در بررسی پرونده‌های قضایی، ملاحظه می‌شود در آرای بسیاری ارتکاب انحراف‌های مالی جرم تحصیل مال از طریق نامشروع محسوب شده است و ماده مذکور به دارا شدن ناعادلانه، تصاحب اموال گمشده و به طور کلی

---

۱. برای ملاحظه نمونه رأی به پاورقی شماره ۳ صفحه ۴ این مقاله مراجعه کنید.

۲. برای ملاحظه نظر حقوقدانان در تأیید وجود برداشت موسع به استناد حمایت از بزه‌دیدگان در رویه قضایی به آقایی نیا، حسین، با تفسیر رایج از قسمت اخیر ماده ۲ به کجا می‌رویم، مجله قضاوت، مرداد و شهریور، شماره ۷۱، ۱۳۹۰، ص ۴۸، مراجعه کنید.

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

تصاحب هر نوع مال نامشروع تسری یافته است؛ در حالی که در این گونه موارد نه‌تنها مرتکب هیچ گونه اقدامی جهت خارج کردن مال از تصرف مالباخته یا تحصیل مال انجام نداده است و به تبع آن در تصاحب مال تقصیری ندارد، بلکه در اثر سهل‌انگاری مالباخته در نگهداری اموال خود، مال در اختیار مرتکب قرار گرفته است.

همچنین موضوع جرم ماده ۲ به خدمات و امتیازات مالی نیز توسعه پیدا کرده است، در حالی که شهروندان بسیاری هستند که با ارائه اسناد صوری تسهیلات بانکی هرچند با مبلغ خیلی پایین مانند وام تعمیر خانه یا خرید خودرو یا خرید کالا و... اخذ کرده‌اند یا تسهیلات بانکی را در غیر محل مورد توافق با بانک هزینه کرده‌اند. برای مثال تسهیلات وام خرید خودرو را برای خرید منزل استفاده کرده‌اند.

از یک طرف، به نظر می‌رسد تعیین مجازت تعزیری درجه ۶ و غیر قابل تعلیق بودن و محدودیت قانونی در تخفیف مجازات حبس برای صرف تحصیل هر نوع مال نامشروع، منطبق با واقعیات و نیازهای روز جامعه و وجدان و نظم ارزشی جامعه نیست. بنابراین جامعه هیچ گاه بزه‌دیدگی مالباخته را مورد شناسایی قرار نخواهد داد و در فرایند تعقیب، تحقیق، رسیدگی و صدور حکم و اجرای مجازات با وی همراهی نخواهد کرد. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد جامعه با در نظر گرفتن معایب مجازات حبس و نیز در مقایسه با سایر جرائم، خسارتی را که به بزه‌دیده در اثر غفلت و سهل انگاری او ایجاد شده است، به اندازه‌ای غیر انسانی نمی‌داند که خواهان حبس سه ماه تا دو سال مرتکب باشد و مجازات نکردن مرتکب را ناعادلانه محسوب کند. بنابراین به نظر می‌رسد، اعمال و اجرای سیاست جنایی افتراقی در قبال جرم مذکور با استناد به معیارموقعیت بزه‌دیده و با توسل به بهانه بزه‌دیده‌شناسی سیاسی (حمایتی) قابل پذیرش نیست.

بدین‌سان به نظر می‌رسد، نه‌تنها ادعای حمایت از بزه‌دیدگان برای اعمال و اجرای سیاست جنایی افتراقی در مورد ماده ۲ در رویه قضایی به اعتبار موقعیت بزه‌دیده قابل دفاع نیست، بلکه این رویکرد با بزه‌دیده‌شناسی علمی تعارض آشکار دارد.

۲- شروع به تعقیب. در بررسی پرونده‌های قضایی مشاهده شد در اکثر موارد شروع به تعقیب کیفری جرم پیشگفته با شکایت مالباخته شروع شده است؛ لکن به رغم

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

وجود محاسن طرح دعوای کیفری نسبت به طرح دعوای حقوقی برای استرداد مال، در تمام موارد تحصیل مال از طریق نامشروع - مانند انحرافات مالی و تحصیل غیرقانونی تسهیلات بانکی یا استفاده از تسهیلات در غیر مورد توافق با بانک -، مالباختگان مبادرت به طرح دعوای کیفری نمی‌کنند؛ بلکه در اکثر موارد مالباختگان با طرح دعوای حقوقی در محاکم حقوقی به دنبال استرداد اموال خویش هستند؛ زیرا موضوع اکثر پرونده‌هایی که در مراجع حقوقی رسیدگی می‌شود، تحصیل مال از طریق غیرقانونی - مانند غصب، معامله باطل، معامله فسخ شده و غیره - است و این موارد نیز طبق برداشت موسع یکی از مصادیق ماده ۲ هستند؛ در حالی که اکثر موارد دعاوی تحصیل مال از طریق غیرقانونی در محاکم حقوقی رسیدگی می‌شود.

۳- تأثیر بر گزینش و تصمیم گیری مسئولین نظام عدالت کیفری. در بررسی پرونده‌های قضایی مشاهده می‌شود در برخی موارد با اعلام رضایت مالباخته تخفیف عنوان مجرمانه به نفع متهم - جنحه‌ای کردن جرائم جنایی- صورت می‌گیرد؛ بدین صورت که رفتار ارتکابی مصداق یکی از جرائم شدید و غیر قابل تخفیف و غیر قابل اعمال موارد ارفاقی است و تا قبل از اعلام رضایت مالباخته مرتکب به اتهام یکی از جرائم شدید تحت تعقیب قرار می‌گیرد و حتی در برخی موارد دادگاه بدوی مرتکب را به اتهام جرم شدید با مجازات شدید محکوم می‌کند؛ لکن در مرحله تجدیدنظر بدون این‌که دلیل یا واقعه جدیدی حادث شود که وصف رفتار ارتکابی یا انتساب رفتار ارتکابی به مرتکب را تغییر دهد، به صرف اعلام رضایت مالباخته، دادگاه عنوان اتهامی را به صورت غیرقانونی به ماده ۲ تغییر می‌دهد و مجازات سبک صادر می‌کند.

همچنین در موارد متعددی مخصوصاً در مورد انحرافات مالی ملاحظه می‌شود که با شکایت مالباخته تعقیب کیفری شروع می‌شود و تحقیقات لازم انجام می‌شود و متهم احضار و تفهیم اتهام می‌گردد؛ لکن در ادامه رسیدگی به پرونده بدون این‌که واقعه یا دلیل جدیدی که دلالت بر تغییر وصف رفتار ارتکابی یا عدم انتساب رفتار ارتکابی به متهم کند، حادث شود، بنا به عللی مالباخته رضایت خود را اعلام می‌کند. در اکثر پرونده‌های بررسی شده مراجع قضایی بعد از اعلام رضایت مالباخته - به جهت این‌که این ماده از جمله جرائم غیر قابل گذشت است - بدون این‌که اقدام تعقیبی دیگری انجام

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

دهند با استدلال صرفنظر از اعلام رضایت شاکی به جهت فقد وصف کیفری موضوع اتهام یا فقد دلیل کافی جهت انتساب بزه ارتکابی به متهم، پرونده را با صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت مختومه می‌کنند.

هرچند در موارد پیشگفته، ممکن است تغییر تصمیم مراجع قضایی دلایل متعددی داشته باشد، لکن به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در تغییر تصمیم مرجع قضایی اعلام رضایت مالباخته است.

همان طور که به صورت مستدل بیان شد، طبق برداشت موسع، شهروندان بسیاری مرتکب جرم تحصیل مال از طریق نامشروع می‌شوند. از نظر عقلی و منطقی نظام عدالت کیفری توانایی برخورد با تمام مرتکبین این جرم براساس این برداشت را ندارد و ناچار است به صورت گزینشی عمل کند و فقط در مورد پرونده‌های خاص با وجود دلایل خاص تعقیب کیفری را شروع کند. به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که در این وضعیت بر گزینش مسئولین نظام عدالت کیفری تأثیرگذار است، موقعیت بزه‌دیدگان و پیگیری‌های آن‌ها است؛ زیرا قاضی نیز همانند تمام انسان‌ها دارای احساسات و عواطف و موجودی حسابگر است و موقعیت بزه‌دیده در احساسات و حسابگری او در انتخاب و گزینش وی تأثیرگذار است. هر چقدر مالباخته بتواند احساسات قاضی را بیش‌تر تحت تأثیر قرار دهد یا وی را قانع کند که شروع به تعقیب کیفری برای وی سود و مزیت به دنبال خواهد داشت، در تصمیم و گزینش قاضی تأثیرگذار خواهد بود.

در مصاحبه عمیق صورت گرفته با قضات توسط نگارنده که به ذکر برخی از نتایج آن بسنده می‌شود، ۴۵ قاضی از ۵۰ قاضی مصاحبه‌شونده در پاسخ به سؤال برداشت رویه قضایی در قبال ماده ۲ چیست، عقیده داشتند که رویه قضایی برداشت موسع از این ماده دارد. همچنین قریب به اتفاق بر این باور بودند که هرچند در برخی مواقع رویه قضایی در مورد پرونده‌های خاص تفسیر موسع از ماده ۲ دارد، لکن در اکثر

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

موارد که حساسیت روی پرونده وجود ندارد، تفسیر مضیق در رویه قضایی اعمال و اجرا می‌شود. برخی حقوقدانان نیز این نظر را دارند.[1]

در گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد در ماده ۲۰ نه‌تنها شخصیت بزه‌دیده در تحقق جرم تأثیر ندارد و ضرورتی به ورود خسارت به هیچ شخص نیست، بلکه در برخی موارد دو طرف نیز سود می‌برند، برای مثال پرداخت مال به مرتکب با طیب خاطر در ازای انجام کار قانونی که موجب تسریع در کار مالباخته می‌شود. لکن در گفتمان سیاست جنایی قانونگذار ایران در قبال جرم تحصیل مال از طریق نامشروع، بزه‌دیده این جرم مشخص است و وضعیت بزه‌دیده در تحقق جرم مؤثر است و فقط اشخاصی که طبق مقررات صلاحیت اعطای امتیازات خاص را دارند، می‌توانند بزه‌دیده این جرم محسوب شوند.

۴. نتیجه‌گیری

رویه قضایی در اعمال ماده ۲ همانند نظر غالب دکترین، اداره حقوقی قوه قضاییه در اکثر نظریه‌های مشورتی صادر شده، نظر قضات در نشست‌های قضایی و مصاحبه عمیق صورت گرفته، برداشت موسع از ماده ۲ دارد. به نظر می‌رسد تجزیه ماده ۲ و تبصره آن به ۵ بخش و استناد به تفسیر لفظی یک بخش بدون در نظر گرفتن بخش‌های دیگر، همچنین عدم توجه به مبانی و ملاک جرم‌انگاری، اوضاع و احوال حاکم بر تصویب قانون تشدید و مشروح صورت مذاکرات مجلس هنگام تصویب ماده پیشگفته با برخی از قواعد و ابزارهای تفسیر قانون کیفری تعارض دارد و به صورت غیرقانونی جرم‌انگاری قضایی انجام می‌شود که در این جرم‌انگاری قضایی اصول مسلم حقوق جزا از قبیل حاکمیت قانون، تناسب بین جرم و مجازات، اصل برائت، منع مجازات‌های غیرضرور، برابری و تساوی افراد در برابر قانون، اصول جرم‌انگاری، کرامت ذاتی انسان، ممنوعیت اقدامات و مجازات‌های ظالمانه، ممنوعیت تعیین مجازات‌های

۱- ر. ک: دکتر فرهاد پروین قابل مشاهده در سایت http: //www.hvm.ir/print.asp?id=36782

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

نامتناسب، ممنوعیت استفاده ابزاری از انسان، موازین دادرسی عادلانه و غیره رعایت نمی‌شود.

رویه قضایی برخلاف گفتمان سیاست جنایی قانونگذار ایران در اعمال ماده ۲ موضوع جرم و نتیجه مجرمانه را به تحصیل منافع مالی توسعه می‌دهد. همچنین رفتار مجرمانه را به تحصیل مال از هر طریقی که قانونگذار شیوه تملیک مال را قانونی اعلام نکرده باشد، گسترش می‌دهد که در نتیجه آن، رفتار مجرمانه به ترک فعل و داشتن و نگهداری نیز تعمیم می‌یابد. بدین‌سان این ماده با قاعده دارا شدن ناعادلانه انطباق پیدا می‌کند. بنابراین رویه قضایی در اعمال ماده ۲ برخلاف گفتمان سیاست جنایی قانونگذار، در مورد موضوع جرم، رفتار مجرمانه، نتیجه مجرمانه و رابطه سببیت با گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد درماده ۲۰ مشابهت دارد.

اشاره به تحصیل مال از طریق نامشروع در ماده ۲ قانون تشدید و قانون ارتقا و دارا شدن من غیر حق در ماده ۲۰، بیانگر افتراقی‌سازی سیاست جنایی توسط قانونگذار ایران و سازمان ملل متحد حسب مورد در قبال این جرائم است که در چارچوب سه معیار ۱) گونه‌شناسی جرائم، ۲) گونه‌شناسی بزهکاران، ۳) گونه‌شناسی وضعیت پیش‌جنایی قابل بررسی است. در بررسی تطبیقی ملاحظه می‌شود بین گفتمان هر دو قانونگذار پیشگفته تشابه وجود دارد؛ لکن رویه قضایی با توسعه ماده ۲ به انحرافات مالی در برخی موارد برخلاف افتراقی‌سازی مورد نظر قانونگذار اقدام می‌کند.

رویه قضایی نه‌تنها شخصیت مرتکب را در تحقق جرم مؤثر لحاظ نمی‌کند و این جرم را قابل ارتکاب از جانب هر شخص می‌داند، بلکه در عمل و به صورت غیرقانونی براساس موقعیت بزهکار، در برخی موارد رفتارهایی را که فاقد وصف کیفری هستند – مانند تحصیل منافع مالی و نیز تحصیل مال از طریق ترک فعل و داشتن و نگهداشتن – به علت وضعیت خاصی که مرتکب در زمان تحقق جرم داشته است، جرم و مشمول ماده ۲ محسوب می‌کند.

از نظر عقلی و منطقی به نظر می‌رسد نظام عدالت کیفری توانایی برخورد با تمام مرتکبین این جرم را ندارد و ناچار است به صورت گزینشی عمل کند و فقط در مورد

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

پرونده‌های خاص با وجود دلایل خاص شروع به تعقیب کیفری کند. به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که در این وضعیت بر گزینش مسئولین نظام عدالت کیفری تأثیرگذار است، وضعیت و موقعیت بزهکار و وضعیت و موقعیت بزه‌دیده و پیگیری‌های وی است. یکی دیگر از موارد افتراقی شدن رویه قضایی در اعمال ماده ۲ به اعتبار معیار بزهکار، تخفیف عنوان مجرمانه به نفع متهم - جنحه‌ای کردن جرائم جنایی - است.

بنابراین سیاست جنایی افتراقی مد نظر قانونگذار در ماده ۲ و گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل در ماده ۲۰ با سیاستی که مراجع قضایی در عمل اجرا می‌کنند اختلاف مبنایی قابل ملاحظه‌ای دارد.

۵. منابع

[۱] آقایی نیا، حسین، «با تفسیر رایج از قسمت اخیر ماده ۲ به کجا می‌رویم؟»، مجله *ماهنامه قضاوت*، شماره ۷۱- ۷۲، ۱۳۹۰.

[۲] پیتر لانگست و دیگران، *برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد*، مترجم امیرحسین جلالی فراهانی و دیگران، چاپ اول، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.

[۳] ابراهیمی، شهرام، صفایی آتشگاه، حامد، «رویکرد قانون‌گذار به پیشگیری از جرم در قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال ششم. شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.

[۴] بهره مند بک نظر، حمید، گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در ماده ۲ ایران در قبال فساد و مطالعه تطبیقی آن با کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.

[۵] آقازاده، علیرضا، *بررسی تحلیلی و کاربردی سیاست جنائی ایران در قبال قاچاق کال*، چاپ اول، تهران، انتشارات آثار اندیشه، ۱۳۸۵.

[۶] نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درسی جرم‌شناسی سیاست جنایی، دوره دکتری دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۸ـ۱۳۷۹، www.lawtest.ir

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

[۷] نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات درسی مباحثی در جرم‌شناسی، حقوق کیفری اقتصادی، دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶، قابل مشاهده در سایت www.lawtest.ir

[۸] میرمحمدصادقی، حسین، *حقوق کیفری اختصاصی۲ جرائم علیه اموال و مالکیت*، چاپ سی و دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۲.

[۹] حبیب زاده، محمد جعفر، *تحلیل جرائم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران*، چاپ چهارم، تهران. انتشارت نشر دادگستر، ۱۳۹۳.

[۱۰] غیاثی، جلال الدین، نیک نسب، عباسقلی، « تحصیل متقلبانه خدمات »، *پژوهش نامه حقوق کیفری*، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

[۱۱] گلدوزیان، ایرج، *محشای قانون مجازات اسلامی*، تهران: مجد. ۱۳۹۴.

[۱۲] نجارزاده، حجت، سیاست جنایی ناظر به تحصیل مال از طریق نامشروع در حقوق ایران و کنوانسیون مبارزه با فساد، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، .۱۳۸۹.

[۱۳] محمود، محمودخانی، سیاست کیفری ایران در قبال فساد اداری با رویکردی به اسناد بین‌المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، پردیس قم، ۱۳۸۴.

[۱۴] حبیب زاده، محمدجعفر، *سرقت در حقوق کیفری ایران*، ویراست دوم، تهران، انتشارت نشر دادگستر، ۱۳۸۹.

[۱۵] نجفی ابرند آبادی، علی حسین، « درباره سیاست جنایی افتراقی »، دیباچه ویراست چهارم در لازرژ، کریستین، *درآمدی بر سیاست جنایی*، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.

[۱۶] نجفی ابرند آبادی، علی حسین، «درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری»، *بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مجموعه مقالات)*، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.

[17] Clark (Micheal) Crruption, Causes, Consequences and Control Newyork St. Martine, s press: 1983.

[18] Samford (chals) and elsMeasuring Corruption (P. Ashgate 2007).

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]

[۱۹] لواسور، ژرژ، «سیاست جنایی»، مترجم نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مجله *تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ و بهار و تابستان ۱۳۷۲.
[۲۰] فرح بخش، مجتبی، «تأملی در رکن مادی کلاهبرداری و تحصیل مال به طریق نامشروع»، مجله *فصلنامه حقوق*، دوره ۳۹، شماره ۲، ۱۳۸۸.

[Downloaded from clr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22516751.1395.20.2.4.6]